

فیلم مستند «زنان ابدی» در سینما شهر تماشا اکران شد

داستان ۷ زن و ۷ شوهر غایب



گروه فرهنگ و هنر - سینما شهر تماشا اکران کرد. در این یکی دو سال گذشته سنتی نوین را پایه گذاشته است که در نوع خود بی نظیر است و آن اینکه هر از گاهی به درخواست یکی از فیلمسازان، یا یکی از سینمایی‌نویسان کرمانی، یک نوبت از نوبت‌های نمایش خود را به بخش یک اثر سینمایی از فیلمسازان کرمانی اختصاص می‌دهد. در ادامه همین سنت یکشنبه گذشته مورخ نوزدهم ماه جاری نیز یک نوبت نمایش را به بخش مستند زنان ابدی به کارگردانی صادق اسماعیلی اختصاص داد و بعد از اکران این فیلم میزبان علاقمندانی گردید که بعد از تماشای فیلم در جلسه نقد و بررسی این مستند اجتماعی نیز شرکت یافتند. در این مراسم که با حضور محمد حسین ملکی، رئیس حوزه هنری استان کرمان و تهیه‌کننده، محمد صادق اسماعیلی کارگردان و زانیار لطفی، تصویربردار زنان ابدی تشکیل شد، علیرضا فدایی کرمانی و مسعود اشجعی درباره‌ی ساخت و موضوع و و حیدر قرایی نیز از منظر حقوقی درباره‌ی فیلم سخن گفتند.

برای معرفی فیلمسازان کرمانی به همشهریان‌شان تلاش می‌کنم

این منتقد سینمایی ادامه می‌دهد: «یکی از اهداف این برنامه شناساندن این گروه از فیلمسازان به همشهریان و هم‌استانی‌های خودشان و تلاش برای معرفی آثار آنها و جلب مخاطب بومی می‌باشد.»

او به فعالیت‌های اخیر خود مبنی بر اکران، نقد و حمایت از آثار مستندسازان کرمانی اشاره می‌کند و تصریح می‌کند: «امیدواریم با افزایش تعداد تولیدات و همچنین بالاتر رفتن ظرفیت نقدپذیری در جامعه‌ی سینمایی کرمان بتوانیم جلسات نقد و بررسی را با تعداد بیشتر و به صورت مستمر برگزار کنیم.»

این منتقد سینمایی که تلاش خود را بر رصد آثار و معرفی فیلمسازان جوان کرمانی متمرکز کرده است، می‌افزاید: «به این معنی که هرگز برای یک جلسه‌ی نقد فیلم به شکل تخصصی در سالن نمایش عمومی شکل مطلوب ما نیست و بهتر آن است که این جلسات چنانچه مرسوم جشنواره‌های سینمایی است بعد از اکران فیلم در محیطی کوچکتر و در حضور عوامل فیلم و اهالی فن و اصحاب رسانه برگزار شود، چرا که ممکن است طرح مباحث تخصصی و فنی نقد در میان مخاطبان عام بازخورد مناسبی نداشته باشد.»

فدایی کرمانی در ادامه‌ی سخنانش به زنان ابدی اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد: «سوزی این فیلم به قدری خوب و جذاب و تاثیرگذار است که می‌تواند از منظر موضوعی هر اثری را شاخص کند.»

او ادامه می‌دهد: «با این وجود، فیلم آقای اسماعیلی از یک ساخت منسجم برخوردار است و از نظر من که آثار مستندسازان کرمانی را دنبال می‌کنم، جزو شاخص‌ترین فیلم‌ها در سال‌های اخیر به شمار می‌آید.»

علیرضا فدایی کرمانی با اعتقاد به اینکه مهمترین وجه زنان ابدی، جدای از مسایل فنی این است که موضوعی انسانی دارد، اظهار می‌دارد: «این مستند همزمان با پایان‌بندی فیلم خاتمه پیدا نمی‌کند، بلکه ابتدا آن در اتفاقاتی است که ما امیدواریم بیفتد و در انتها به آزادی همسران این زنان بینجامد و این فیلم بتواند اثر خودش را بگذارد و از این طریق به تکامل برسد.»

او با بیان این که در جامعه‌ی خود ما کمتر شاهد چنین ساخته‌هایی هستیم که در کنار وجوه هنری، چنین مباحثی را مطرح کنند، توضیح می‌دهد: «یکی از نظریه‌پردازان معاصر سینمای مستند به نام «نیکلز» معتقد دارد که یک اثر هنری باید بتواند جریان‌سازی کند و بعد از خوانشی تأثیری بر جامعه بگذارد.» در ادامه‌ی این جلسه رئیس حوزه هنری کرمان در سخنانی به اهمیت رسانه سینما اشاره می‌کند و می‌گوید: «از فیلمسازان و بچه‌های سینمای کرمان در تعجبم که چرا به صورت تیمی با هم کار نمی‌کنند و از این طریق توان فردی خود را

رومنا می‌شد. به گزارش خیرگزاری صدا و سیما حامد سعادت کارگردان پیروزی بر خورشید گفت: «ساخت فیلم مستند پیروزی بر خورشید از خود بهمن سال گذشته در یک دوره ۲۸ روزه و دو دوره ۷ و ۴ روزه در قلعه گنج به طول انجامید.»

وی افزود: «این مستند نقش پیروزی اقتصاد مقاومتی» بر زندگی مردم قلعه گنج و اینکه مردم باید نقش اصلی را در اقتصاد مقاومتی داشته باشند را به نمایش می‌گذرد.» کارگردان مستند پیروزی بر خورشید،

او از هادی مهدوی به عنوان یک فیلمساز کرمانی که آخرین فیلمش در دانشگاه سوربن در بین یکی از ۸ فیلم برتر انتخاب شده است، نام می‌برد و می‌گوید: «فیلمسازی مثل مهدوی و اسماعیلی نه تنها حق دارند، بلکه صمیمانه نیاز هم دارند تا در بین هم‌استانی‌های خود شناخته شده باشند.»

زنان ابدی یک مستند اجتماعی از یک معضل اجتماعی است

«زنان ابدی، زندگی هفت نفر از زنان یک روستا در جنوب شرقی کرمان را به تصویر می‌کشد که شوهران آنها در ابتدا به اعدام محکوم شده بودند و اکنون باغی که شامل حال‌شان گردیده با حکم حبس ابد در زندان به سر می‌برند و این هفت زن روستایی مجبوراند تا همه‌ی کارهای خانواده را به تنهایی و در شرایط سخت و دشواری انجام دهند.»

تصویر فوق یک شمای کلی است که در ذهن تماشاچیان زنان ابدی نقش بسته است، با اشاره به همین تصویر است که مسعود اشجعی در ابتدای جلسه‌ی نقد و بررسی آن می‌گوید: «زنان ابدی یک مستند اجتماعی از یک معضل اجتماعی است.»

این فیلمساز کرمانی یکی از اهداف یک مستند خوب اجتماعی را باز کردن یک بحث یا یک موضوع اجتماعی برای رسیدن به یک شفافیت می‌داند و می‌گوید: «مشکلات و معضلات زندگی ۷ زن روستایی که در فیلم محمد صادق اسماعیلی روایت می‌شود، از جمله مشکلات و معضل‌هایی است که در جامعه‌ی ما کمتر امکان طرح شدن و دیده شدن دارد و اصولاً درباره‌ی صحبت نمی‌شود. به همین دلیل می‌توان آن را یک مستند خوب توصیف کرد.»

کارگردان سریال «غلام لرد» ادامه می‌دهد: «یکی از جنبه‌های مثبت این مستند طرح یک چالش حقوقی است و این پرسش را برای بیننده‌ی خود مطرح می‌کند که آیا هیچ راهی برای آزادی شوهران این ۷ زن از زندان وجود ندارد و آیا سزاوار است به خاطر اشتباه ناشی از بی‌اطلاعی ۷ مرد، زنان و بچه‌های آنها تا این اندازه رنج و مشقت را تحمل کنند؟»

در ادامه‌ی این نشست علیرضا فدایی کرمانی با تحسین تعدادی از فیلمسازان کرمانی که به‌دور از هیاهو و بدون حواشی، فیلم می‌سازند، اظهار می‌دارد: «متأسفانه بعضی از این دوستان، آنقدر که در سطح کشور شناخته شده هستند، در کرمان شناخته شده نیستند.»

مراسم رونمایی از پیروزی بر خورشید در سینما شهر تماشا کرمان برگزار شد

این مستند قسمت‌های فراموش شده کرمان را نمایش می‌دهد

هدف از ساخت این فیلم را نمایش فرهنگ، قومیت و کارگردان مستند داستانی پیروزی بر خورشید، توضیح داد: «بخشی از این هزینه‌ی حدود ۲۲ میلیون تومانی این مستند را خود وی و بخشی را هم ازگان‌های دولتی منتقل کردند.»

گفتنی است همزمانی این مراسم با ساعات طراحی صفحات فرهنگ و هنر استقامت امکان تهیه‌ی گزارش از این مراسم را در این شماره به ما نداد. امیدواریم در فرصت‌های آتی امکان پرداخت به این مستند با موضوع بومی فراهم گردد.

رومنا می‌شد. به گزارش خیرگزاری صدا و سیما حامد سعادت کارگردان پیروزی بر خورشید گفت: «ساخت فیلم مستند پیروزی بر خورشید از خود بهمن سال گذشته در یک دوره ۲۸ روزه و دو دوره ۷ و ۴ روزه در قلعه گنج به طول انجامید.»

وی افزود: «این مستند نقش پیروزی اقتصاد مقاومتی» بر زندگی مردم قلعه گنج و اینکه مردم باید نقش اصلی را در اقتصاد مقاومتی داشته باشند را به نمایش می‌گذرد.» کارگردان مستند پیروزی بر خورشید،



گروه فرهنگ و هنر - فیلم مستند پیروزی بر خورشید با موضوع اقتصاد مقاومتی ساخته حامد سعادت با حضور استاندار و جمعی از مسئولان فرهنگی استانی عصر روز پنجشنبه ۲۵ آذر ماه در سینما شهرتماشا کرمان



کی دهد دست این غرض یارب که همدستان شوند
خاطر مجموع ما زلف پریشان شما
و امروزه روزنامه نگاری، ملتجای زلف پریشان و خاطر مجموع
است. وقتی حرف‌های پریشان را به قصد اصلاح امور، یکجا جمع
کنی خاطرت جمع می‌شود.

هر انسانی دلش می‌خواهد خاطر جمع باشد، دغدغه نداشته باشد، خیالش راحت باشد، حالا فرض کنید یک انسان در یک حوزه‌ی تخصصی اندک دانشی دارد و مختصر شرفی و کمی هم از آژادواری، چنین انسانی اگر بخواهد دانش و شرفش را در جهت رشد جامعه و اصلاح امور آن و برطرف ساختن موانع توسعه‌ی اجتماعی به کار گیرد، یکی از امکاناتی که دارد، نشریه است و مسیری که فراسوی راهش قرار دارد، روزنامه‌نگاری است که البته برایش شهرت هم به ارمغان می‌آورد. حالا اگر این روزنامه نگار بخواهد همان آژادواری نیم بندش را هم حفظ کند، خاطر مجموعش پریشان می‌شود.

از سویی دیگر، جاده‌ی روزنامه‌نگاری از جامعه می‌گذرد، و جامعه مالمال از ذهنیت‌های مختلف، سلاقی گوناگون، استعداد‌های بی‌نظیر و ظرفیت‌های فراوان است و آکنده از مسایل و مشکلاتی که راه بر هرگونه اصلاح اجتماعی می‌بندد و آرزوهای جامعه را سد می‌کند. پس حکایت قدم زدن در مسیر روزنامه‌نگاری که

علیرضا هاشمی نژاد

نشریه‌ی بدون آرمان معنی نمی‌دهد



اگر آرمان‌گر باشیم و کمال‌گرا بی‌تردید هیچ روزنامه و هفته‌نامه و مجله‌ای نداریم که حتی مخاطبان خاص خود را نیز راضی نگه دارد. خط و خطوط رسمی و غیر رسمی و رنگ قرمزی که هر روز طیفش وسیع‌تر می‌شود، تعبیرهای شخصی از اخلاقی و وظیفه‌ی دولت مردان در قبال اخلاقی اجتماعی و سرنوشت مردم و مملکت عرصه را چنان تنگ و نامعلوم ساخته که امکان رو به رو شدن با نشریه‌ی مستقل حتی در عرصه‌های غیرسیاسی را به آرزویی بعید تبدیل کرده است.

البته باید پذیرفت که همه‌ی این ماجرا متأثر از سیاست‌های رسمی فرهنگی نیست اما میزان تأثیرپذیری از شرایط موجود مهم است. در همین روزگار هم می‌توان نشریه‌های خوب و قابل تحمل داشت و مبنای مستقل برای مثنی سیاسی و تفکر اجتماعی داشت، به مخاطب احترام گذاشت، از حقایق عدول نکرد زیرا مخاطب آگاه متوجه شرایط هست و کمبودها را در ذهن خود تکمیل می‌کند، چون نشریه‌ای را که دوست دارد به او دروغ نغذمانست، چیره خوار نیست، به رقیب احترام گذاشته است، وظیفه‌ی اطلاع رسانی خود را با توجه به نوع نگرش و بیش و مایست خود به انجام رسانده است، پس دوست داشته است.

در همه‌ی سال‌هایی که با نشریات کرمان آشنا هستم کم دیدم نشریاتی که به سمت تحقق این آرمان حرکت کنند، فارغ از هفته‌نامه استقامت از آرمان سخن نگفتم، چون اساساً معتقدم نشریه‌ی بدون آرمان معنی نمی‌دهد. البته کمبودهای نشریه استقامت، جدای از بخشی که مبتلا به همه‌ی نشریات است و قابل حل نیست، قابل تأمل‌اند و باید به آن پرداخت چون دوست داریم، و چون می‌تواند ارتقا یابد و ظرفیت آن را دارد که تاریخ‌ساز باشد در نشریات کرمان. اگر قدری از کاهلی برآید، اگر به جریان سازی بیاندیشد، تا ایجاد تقابل با این قابلیت که دارد باید مخاطبین خود را گسترش دهد معتقد به همه‌گیر شدن نیستیم، بی‌تردید باید مخاطب هدف داشته باشد اما گروه هدف هم طیف دارد. و اسارت در طیفی خاص از گروه مخاطب شایسته‌ی استقامت نیست، ریشه‌یابی و کشف مسایل در دستور کار نشریه نیست، به برخی از مهم‌ترین مسایل هنوز نپرداخته است. البته نسبت به سایر نشریات در همین مواردی هم که ذکر کردم سرآمد است، اما راضی کننده نیست خود را در موضعی فرض کند که قابلیت

یاسر سیستانی نژاد

یک نشریه منسجم با حضور ۳ نسل از روزنامه نگاران کرمان

یکی از نشانه‌های مدیریت صحیح، «بیوسنگی» در کار است. تأثیرگذاری در جامعه است. این همه محقق نمی‌شود جز با به کارگیری نیروهای تأثیرگذار و کار مداوم با این نیروها! روزنامه نگارانی که با جناب لطیف کار همکاری می‌کنند، سال‌هاست که در تیم او هستند. این سرمایه را نباید دست کم گرفت. آن هم در این روزگار «تند» و «خسته» که کمتر نشریه‌ای را می‌بینیم که هر سال تیم جدیدی در آن به کار مشغول نشود و دانما شناسنامه‌اش تغیر نکند.

۲- گفتم ذهن خلاق و فرد زحمت کش! خلاقیت و زحمتکشی جزو جدا ناشدنی حرفه‌ی روزنامه نگاری است. روزنامه نگاری به معنی واقعی کلمه عرق ریزان جسم و روح است و با راحتی و تن آسای جور در نمی‌آید. روزنامه نگاری کاری دشوار است و روزنامه نگاران در کرمان اندک هستند! روزنامه نگاری که نسبت به پیرامون خود حساس باشد، سوزه را درآیند، آن را بپروارند و به نحوی مطلوب ارائه دهد. در همه‌ی این مراحل هم دانما یک چشمش به کار خودش باشد و یک چشمش هم به مخاطب. یک چشمش به مطلبش باشد و چشم دیگرش به نوحه‌ی تأثیرگذاری.

کم داریم روزنامه نگارانی که سر خود را بچرخانند و سوزهی خیر و گزارش و مصاحبه و یادداشت خود را پیدا کنند. کم داریم مثل رضا شمس! استقامت امروز به همت نسل سوم روزنامه نگاری اش به راه خود ادامه می‌دهد. رضا شمس، اسما زنگی آبادی، مرجان افشاری‌راد و دیگر همکاران جناب لطیف کرمانی که با تلاشش فقط یک روزنامه نگار آن را درک می‌کند، استقامت را به یکی از مؤثرترین نشریات استان بدل کرده‌اند. همکاری سه نسل روزنامه نگاری در یک نشریه نیز می‌تواند الگوی مناسبی برای دیگر نشریات باشد. استقامت تاکنون به خوبی از تجربه پیران در کنار شادابی جوانان به نفع ایجاد فضای رسانه‌ای مناسب، بهره برده است. برای همه دوستانتان در هفته‌نامه استقامت آرزوی فردایی روشن دارم.

سارا ستوده

خاطره آن گفت و گو با ما ماند

کتاب‌فروشی ما می‌افتاد و دل‌شان برای جوانی‌مان می‌سوخت. در چنین شرایطی کوچک‌ترین تشویق یا دلگرمی برای‌مان کلی انرژی به همراه داشت. همان روزها بود که یک بار خیرنگار نشریه‌ی «استقامت» میمانمان شد. وقتی فهمیدیم برای تهیه گزارش آمده کمی متعجب شدیم اما به روی خودمان نیاوردیم. راستش برای‌مان عجیب بود که تولد یک کتاب‌فروشی برای اهالی رسانه اینقدر جذاب باشد. حالا که با فاصله زمانی نسبتاً زیادی به آن روزها فکر می‌کنم، چاپ گزارشی از کتاب‌فروشی تازه تأسیس‌مان همراه با مصاحبه با خودمان، یک جور دلگرمی بود. آدم وقتی کار مهمی می‌کند هزاران مصاحبه خیالی با خودش انجام می‌دهد و از دلایل موفقیت و پیروزی‌اش برده بر می‌دارد. ما تمام این مصاحبه‌های خیالی را گذاشته بودیم برای صد سال آینده که صنعت نشر کشور و فرهنگ مطالعه کرمان را به سرانجام رسانده بودیم و با دلی آرام و قلبی مطمئن سر به بالین می‌گذاشتیم. آدمی هم که با خودش مصاحبه نکرده باشد آمادگی سوال‌بیچ شدن را ندارد. حالا در نظر بگیرید هیجان‌زده هم باشد، خدا به دادش برسد. البته در این مورد خاص خدا به داد ما رسید و گپ و گفت قابل قبولی با آقای بنی‌اسد آزاد، خیرنگار و عکاس نشریه استقامت، داشتیم. بعدتر در عنوان کتاب‌فروش جایزه گرفتیم، تشویق شدیم، مصاحبه‌های بیشتری کردیم اما خاطره آن گفت‌وگو و گزارش با ما ماند.

می‌گویند آمار مطالعه در ایران به چند دقیقه هم نمی‌رسد. از طرفی هم باقیمانده‌ی نسل کتاب‌خوان‌ها در چنان وضعیت اقتصادی استثنای زندگی می‌کنند که ترجیح می‌دهند اندک درآمد خود را صرف سیر کردن شکم خود و خانواده‌شان کنند. خود من به عنوان یک کتاب‌فروش روزانه نزدیک به دو هزار مرتبه شاهد مقایسه قیمت کتاب با پیتزا و ساندویچ کیف هستم. با این وجود احساس نیاز به کتاب‌های جدیدتر و آشنایی با آدم‌های اهل کتاب ما را به سمت باز کردن کتاب‌فروشی کشاند. (بله ما از آن‌هایی هستیم که به جای خریدن شیر، گاو می‌خرند.) من و دوستانم با وجود همه‌ی نصایح در باب کتاب‌خوانی مردم تصمیم گرفتیم که کتاب‌فروشی باز کنیم. روزهای اولی که «طاقچه» راه افتاده بود فکر می‌کردیم حالا که کار از کار گذشته و ما از خر شیطان پایین نیامدیم و کتاب‌فروشی تأسیس کردیم دیگر ول‌مان می‌کنند و این‌قدر ایده‌های درخشان اقتصادی و فرهنگی مثل تبدیل کتابفروشی به لوازم آرایشی یا بوتیک را در حلقمان فرو نمی‌کنند اما زهی خیال باطل. به جماعت دوست و فامیل و آشنا یک عده دیگری هم افزوده شده بودند که به صورت عمدی یا غیرعمدی گذرشان به

